نقش والدین در آموزش مدیریت مصرف فرزندان با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری

طاهره ماهروزاده[1]

معصومه موسوی فیروزآبادی[2]

مصطفی تقیلو[3]

چکیده

از منظر قرآن و روایات، مصرف زمانی می‌تواند انسان را به تعالی برساند که با تعادل همراه باشد و به عبارت دیگر مدیریت مصرف وجود داشته باشد. «مدیریت مصرف» به معنای نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع است که باعث ارتقای سطح زندگی، توزیع مناسب منابع و کاهش هزینه‌ها می‌گردد. در جامعه‌ای که هیچ مدیریتی بر مصرف آن وجود ندارد، منابع به سرعت پایان می‌پذیرد و هدف و انگیزه‌ای برای مصرف مشاهده نمی‌شود. آموزش مدیریت مصرف، یکی از راهکارهای حفظ منابع و تأمین رفاه نسل آینده است که با فرهنگ‌سازی ارائه آموزش به فرزندان میسر می‌شود. در این مقاله به روش توصیفی ـ تحلیلی و با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری، به بررسی نقش تربیتی والدین در آموزش مدیریت مصرف صحیح به فرزندان پرداخته شده و در آن دو نوع نقش (مستقیم و غیرمستقیم) برای والدین ترسیم شده است. والدین در نقش غیرمستقیم، فرزندان را در کنترل تمایلات هدایت می‌کنند و با تقبیح مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی برای آنها الگو می‌شوند. در نقش مستقیم نیز به ارائه آموزش‌های لازم در این زمینه پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: مدیریت، مصرف، مصرف‌گرایی، قناعت، فرزندان.

---

۱. عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، پژوهشگر گروه تفسیر پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهراء علیها السلام، mahrozadeh@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح ۳ اخلاق و تربیت جامعه‌الزهراء علیها السلام (نویسنده مسئول)، hsnatqylw@gmail.com

۳. کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی و آموزگار آموزش و پرورش، mostafataghiloo@yahoo.com

مقدمه

نقش کودکان و نوجوانان به عنون یکی از مصرف‌کنندگان عمده در خانواده از یک سو و جایگاه آنان در آینده اقتصاد خانواده و جامعه از سوی دیگر، لزوم توجه به آموزش مدیریت صحیح مصرف و هدایت آنان را آشکار می‌کند. در واقع مدیریت مصرف، نهادینه کردن روش صحیح استفاه از منابع است که موجب ارتقای شاخص‌های زندگی، توزیع مناسب منابع و کاهش هزینه‌ها می‌شود. (کلانتری، ۱۳۸۴، ص ۳۸) به عبارت دیگر مدیریت مصرف به معنای مصرف متعادل و پرهیز از اسراف است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳). در جامعه‌ای که هیچ مدیریتی بر مصرف آن وجود ندارد، منابع و ذخایر ملی به سرعت پایان می‌پذیرد و هدف و انگیزه‌هایی برای مصرف مشاهده نمی‌شود؛ از این رو نخستین گام در راه تعالی مدیریت مصرف در جامعه، فراهم نمودن زیر ساخت‌های فکری و زمینه‌سازی فرهنگی است که نیازمند آموزش است.

مقام معظم رهبری پرهیز از اسراف و مدیریت مصرف را یک حرکت جهادی می‌دانند و خانواده را در رأس همه دستگاه‌ها، متولی فرهنگ‌سازی در این زمینه می‌دانند. عدم توجه به این امر فرزندان را نسبت به استفاده از منابع موجود حریص می‌کند و در نتیجه مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی بر زندگی آنان سایه خواهد افکند. در منابع مختلف مربوط به سخنان مقام معظم رهبری، پژوهش‌های مختلفی در زمینه مدیریت مصرف به طور کلی و در حیطه ادارات، نهادها و ... انجام شده است، اما درباره ارائه الگوی مصرف صحیح و آموزش مدیریت مصرف به فرزندان با توجه به بیانات رهبری پژوهشی انجام نشده است. این در حالی است که رفع مشکل مصرف‌زدگی و اسراف و ارائه بینش صحیح به نسل آینده جهت استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود، در خانواده و توسط والدین صورت می‌گیرد. «اصلاح الگوی مصرف، این را باید از کودکی به این جوان و نوجوان یاد داد». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۲/۱۳)

پژوهش حاضر به روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از منابع تربیتی، روایی و بیانات

مقام معظم رهبری در تلاش است در حد وسع خود به موضوع وظایف تربیتی که والدین در عرصه مدیریت مصرف فرزندان و ارائه آموزش‌های لازم در این زمینه بپردازد. با توجه به موضوع بحث، نقش والدین می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم جلوه نماید. نقش غیرمستقیم در قالب هدایت‌گری فرزندان در کنترل تمایلات و الگو بودن در زمینه مصرف به صورت تقبیح مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و ... بروز می‌کند و در نقش مستقیم، به ارائه آموزش‌های لازم در اولویت‌بندی نیازها و نحوه مصرف صحیح پرداخته خواهد شد.

۱. نقش غیرمستقیم والدین در مدیریت مصرف فرزندان

۱.۱. هدایت‌گری فرزندان در کنترل تمایلات

یکی از مقدمات آموزش مدیریت مصرف به فرزندان، تعدیل و پرورش نیازهای مختلف آنان است؛ زیرا آنها در طول زندگی تمایلات بسیاری را در خود احساس می‌کنند و کنترل و ارضای متناسب‌شان به مهارت و آموزش نیاز دارد؛ برای مثال کودکان و نوجوانان در مدرسه، اجتماع و یا در مهمانی‌ها، با همکلاسی‌ها یا افرادی برخورد می‌کنند که لباس‌ها یا لوازم متنوع و گاه گران‌قیمتی دارند یا می‌توانند به راحتی برای خرید و تفریح هزینه کنند. چنین اموری ممکن است سؤالات یا ابهاماتی برای فرزندان به وجود آورد و یا انگیزه‌ای برای اظهار نارضایتی از وضعیت خود و تقاضاها و درخواست‌های گوناگون از والدین شود. از این رو باید برای آنها توضیح داده شود که هر خانواده دارای جایگاه و وضع اجتماعی مخصوص به خود است و با توجه به آن جایگاه، امورات خود را اداره می‌کند. بنابراین فرزندان باید یاد بگیرند که قانع باشند و بر اساس آنچه دارند، با خلاقیت و تلاش امکانات بهتری فراهم کنند و نسبت به داشته‌های دیگران حسادت نکنند. همچنین تمایلات خود را بر اساس چارچوب و قواعدی که در خانواده حاکم و متناسب با سطح درآمد خانواده است، برآورده نمایند. (اصغری، ۱۳۸۸، ص ۳۵۴ و ۳۵۵)

آموزش تقوا، خویشتن‌داری و صبر در تعدیل و پرورش نیازهای فرزندان، نقش بسیاری

دارد؛ زیرا افراد گاه برای رسیدن به اهداف خود باید از لذت‌ها و انگیزه‌هایی چشم‌پوشی کنند. از این رو در روایات توصیه شده است که فرزندان را متناسب با تاب و توانشان از هفت سالگی به روزه (نصف روز) تشویق کنند و با این کار آنها را به صبر عادت دهند. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۲۹) امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «هنگامی که کودک به هفت سال می‌رسد، نماز بر او واجب می‌شود و هنگامی که طاقت روزه گرفتن داشته باشد، روزه بر او واجب می‌شود».[1] (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۸۱)

کسی که در روزه با قدرت اراده خود آشنا می‌شود، در موقعیت‌های دیگر هم می‌تواند انگیزه‌ها و امیال خود را کنترل کند؛ زیرا دانایی، توانایی می‌بخشد. فرد با چشیدن طعم گرسنگی و تشنگی نسبت به فقر و محرومیت همنوعان خود احساس مسئولیت می‌کند و در امر مصرف دقت بیشتری خواهد نمود. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «در ماه رمضان به برکت روزه، طعم گرسنگی و تشنگی و نرسیدن به آنچه را که اشتهای نفس انسان است، درک کردیم و چشیدیم. این باید ما را به احساس مسئولیتی که اسلام در قبال مسئله مهم فقر و فقیر از یکایک مسلمانان خواسته است و بر دوش آنان وظیفه نهاده است، نزدیک کند». (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۹/۹/۱۵)

علاوه بر این آموزش شکر، احساس توانمندی روانی در سایه مقایسه خود با افراد فاقد این نعمت، استفاده درست از نعمت‌ها و مدیریت و کنترل خواسته‌ها و توقعات از فواید آموزش شکرگزاری به کودکان است. (شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۴) بی‌تردید برخی رفتارهای مصرف کودکان در اثر عادت بروز می‌کند. عادت، کاری اختیاری و انتخابی است که در اثر تکرار و انس بدون تفکر انجام، و ترک آن مشکل می‌شود و طبیعت دوم می‌گردد. (نیلی‌پور، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۷۷۷)

«عادت‌های ما، سنت‌های ما، روش‌های غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم، ما را سوق

۱. «إِذَا أَتَى عَلَى الصَّبِي سِتُّ سِنِينَ وَجَبَتْ عَلَيْهِ الصَّلاةُ وَإِذَا أَطَاقَ الصَّوْمَ وَجَبَ عَلَيْهِ الصِّيَامُ».

داده است به زیاده‌روی در مصرف به نحو اسراف». (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱) بنا بر این فرمایش مقام معظم رهبری، بخشی از رفتارهای مصرفی ما که منجر به اسراف می‌شود، در اثر عادات غلط است و رفتار عادتی (مانند پرخوری، ریخت و پاش، اسرافی و ...) سبب ضعف اراده می‌گردد. برای پیشگیری از این امر باید ذکر خدا و تفکر در آیات خداوند را به فرزندان آموزش داد، درباره ضررهای عادت‌زدگی با کودک گفت‌وگو کرد و با تشویق نکردن رفتارهای عادتی و ترغیب رفتارهای مثبت آگاهانه و توجه دادن به ارزش نیت خدایی در کارها به همراه الگوی مثبت عملی بودن، به فرزندان کمک کرد تا از عادت به مصرف رها شوند. (قدیری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶-۸۷)

۱.۲. نفی نیازهای کاذب

مصرف هر فرد یا خانواده با توجه به نیاز اوست، اما این نیاز باید واقعی باشد. بنابراین مصرفی که بر اساس یک نیاز واقعی صورت گیرد، صحیح و حتی ضروری است. در مقابل مصرفی که بر اساس نیاز صورت نگیرد و یا با توجه به نیاز واقعی انجام نگیرد، قطعاً انحراف و اسراف است. مقام معظم رهبری رفع نیازهای کاذب را مصداق اسراف و زیاده‌روی در مصرف می‌داند و می‌فرماید: «ما متأسفانه گرفتار اسراف و زیاده‌روی شده‌ایم ... اسراف در لباس، در خوراک، تجملات زندگی، در زینت‌ها و آویزه‌های گوناگون ... همین‌هاست که زندگی را خراب می‌کند». (بیانات در دیدار اقشار مختلف به مناسبت عیدغدیر خم، ۱۳۹۵/۶/۳۰)

برخی از نیازهای زندگی انسان برگرفته از طبیعت و فطرت اوست، در حالی که بسیاری از کالاها و خدمات مورد تقاضای طبیعی خانواده نبوده و تحت تأثیر تمایلات نفسانی، تبلیغات و توصیه اطرافیان و ... به صورتی تدریجی خود را یک نیاز ضروری نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که نمی‌توان از آنها صرف‌نظر کرد. از این رو پیش اینکه ذهنیت غلط موجب شکل‌گیری یک نیاز در فرزندان شود، باید با نگاهی صحیح و با توجه به میزان درآمد و امکانات به طور عقلانی آن را اصلاح کرد؛ زیرا این گونه هزینه‌ها مغایر با منافع خانواده خواهد بود. به

عبارت دیگر جهت مدیریت صحیح نیازها برای تشخیص نوع نیازهای واقعی را به فرزندان آموزش داد.

شناسایی مصادیق نیاز واقعی با در نظر گرفتن هدف نهایی انسان، امکان‌پذیر است. وقتی هدف غایی انسان بندگی است، هر چیزی که انسان را در رسیدن به این هدف یاری دهد، نیاز واقعی به شمار می‌رود. از طرف دیگر اخلاق مصرف از دیدگاه اسلام، بر نفی نیازهای کاذب تأکید دارد. بنابراین والدین باید از یک سو به ارائه الگوی عملی مصرف که مبتنی بر ارزش‌های دینی است، به تبلیغ مصرف اسلامی و تأمین نیازهای واقعی بپردازند و از سوی دیگر با ترویج زهد و ساده‌زیستی در مقابل نیازهای کاذب فرزندان ایستادگی کنند تا آنان را از آسیب‌های مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی که از ثمرات توجه به نیازهای غیر واقعی است، حفظ نماید.

۱.۳. الگو بودن در زمینه مدیریت مصرف

۱.۱.۳. تقبیح اسراف و مصرف‌گرایی

مصرف از دیدگاه اسلام، مقدمه و ابزاری برای رسیدن به سعادت حقیقی و کمال مطلوب است. یکی از آسیب‌های مهم مصرف، اسراف و زیاده‌روی است که پیامدهای منفی و گاه خطرناکی در بعد اقتصادی و در بعد اخلاقی و ارزش به دنبال دارد. اسراف از یک سو موجب از بین رفتن (هدر رفتن) منابع مالی خانواده و از سوی دیگر موجب افزایش نیازهای کاذب و افزایش تقاضا برای مصرف می‌شود. از دیگر آثار اسراف کاهش برکت و فقر است[1] (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۵۵) و موجب تضییع حقوق دیگران و رشد فساد اقتصادی در جامعه و آسیب‌های جسمانی است. (مجلسی، ۱۴۰۱، ج ۷۷، ص ۱۸۲) بنابراین برای دوری از اسراف، باید الگوی مصرف را اصلاح کنیم و این کار نیز به برنامه‌ریزی نیاز دارد. (بیانات در حرم مطهر رضوی به مناسبت آغاز سال نو، ۱/۱/ ۱۳۸۸)

«صرفه‌جویی، دوری از اسراف ... این، یکی از راه‌هایی است که می‌تواند الگوی مصرف

۱. امام صادق علیه‌السلام: «إِنَّ مَعَ الإِسْرَافِ قِلَّةَ الْبَرَكَةِ».

را به معنای واقعی کلمه اصلاح کند». (بیانات در حرم مطهر رضوی به مناسبت آغاز سال نو، ۱۳۹۰/۱/۱) بنا به فرمایش رهبر انقلاب این کار باید در درجه اول توسط مسئولین صورت گیرد. «در زمینه اصلاح الگوی مصرف خطاب اول من متوجه مسئولین است. اگر چنانچه این شد، یعنی ما مسئولین کشور به این اصل پایبند بودیم، آن وقت این روحیه، این خصلت، این اخلاق، سرریز خواهد شد. مجموعه مسئولین کشور بایستی در شئون مجموعه تحت مدیریت خودشان به این توجه کنند، اسراف نکنند، الگوی مصرف یک الگوی حقیقتاً عاقلانه مدبرانه اسلامی باشد». (بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

والدین یکی از مصادیق مسئولین در خانواده محسوب می‌شوند و در اولین گام باید صرفه جویی را در عمل به فرزندان آموزش دهند؛[1] زیرا مؤثرترین روش در تربیت، روش عملی است و فرزندان بیش از توجه به سخن پدر و مادر به رفتار آنان توجه می‌کنند؛ به همین دلیل است که خانواده‌های ولخرج فرزندان اسراف‌کار تربیت می‌کنند؛ زیرا ضمیر تلقین‌پذیر فرزندان، آینه تمام‌نمای رفتار پدر و مادر هستند. پیامبر اکرم ﷺ در این‌باره فرموده است: «مردم چون معدن ها گونه گونند و نژاد در تربیت افراد نافذ است و تربیت بد مانند نژاد در افراد مؤثر است».[2] (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۸۸)

با توجه به اینکه این روایت به طور مطلق بیان شده است، می‌تواند درباره آن دسته از خانواده‌هایی باشد که امکانات زیادی در اختیار فرزندان خود قرار می‌دهند و به نوعی در تربیت آنان سهل‌انگاری می‌کنند که این عدم تربیت صحیح باعث آثار سوئی در فرزندان از جمله مصرف‌گرایی و اسراف می‌گردد. بنابراین اولین گام در مسیر جلوگیری از اسراف در فرزندان، توجه به رفتارهای مصرفی خود و اطرافیان فرزند است. جهت مصون ماندن از این رذیله باید او را متقاعد کرد تا از مسرفان فاصله بگیرد و رفت و آمد با آنان را محدود کند. همچنین باید آگاهی فرزندان در مورد نحوه صحیح مصرف را افزایش داد. «تا وقتی

۱. «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَیْرِ أَلْسِنَتِکُم».
۲. «اَلنّاسُ مَعادِنُ و العِرقُ دَسّاسٌ و أَدَبُ السّوءِ کَعِرقِ السّوءِ».

الگوی مصرف را اصلاح نکنیم، تا وقتی ندانیم آب را چه طور باید مصرف کنیم، برق را چه طور، نان را چه طور باید مصرف کرد، پول را چه طور باید مصرف کرد، تا این‌ها را درست مصرف نکنیم، راه‌های مصرف را ندانیم، مشکلات ما به حال خود باقی خواهند ماند، باید ما اصلاح الگوی مصرف را دنبال کنیم». (بیانات به مناسبت آغاز سال نو در حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۱/۱) اسراف مصادیق مختلفی دارد. «اسراف در آب، نان، مواد غذایی، دارو، وسایل زندگی، در وسایل تجملات و آرایش و مانند این‌ها بخش مهمی از منابع زنده کشور را هدر می‌دهد. مصرف خوب و درست غیر از اسراف کردن و دور ریختن و ریخت و پاش کردن است». (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

«یکی از عواملی که نمی‌گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه است. برای جامعه بلای بزرگی است که میل به مصرف، روزبه‌روز در آن زیاد شود و همه به بیشتر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع‌تر خوردن، متنوع‌تر پوشیدن و دنبال نشانه‌های مد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن، تشویق شوند. چه ثروت‌ها و پول‌هایی که در این راه‌ها هدر می‌رود و از مصرف شدن در جایی که موجب رضای خدا و رفع مشکلات جمعی از مردم است، باز می‌ماند». (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵)

اگر آدمی از عواقب و کیفرهای اخروی اسراف مطلع باشد و بداند اسراف موجب ضایع شدن حقوق دیگران، فقر، ضعف ایمان و ... می‌شود، هرگز این کار را نخواهند کرد. همچنین اگر بداند اسراف از گناهان کبیره و انجام آن حرام است، مرتکب آن نمی‌شود؛ بلکه می‌کوشد خود را به صرفه‌جویی و قناعت عادت دهد. در سبک زندگی اسلامی نگاه عیب‌جویانه به تجمل‌گرایی و مصرف بیش از اندازه باید در خانواده‌ها تقویت و تبدیل به فرهنگ شود.

تأثیرپذیری از الگوهای غلط وارداتی که در فرهنگ اسلام مذموم است، می‌تواند نقش مؤثری در گسترش مصرف‌گرایی داشته باشد. «جامعه ما باید روحیه مصرف‌گرایی را کنار بگذارد و خودش را از آن چیزهایی که در فرهنگ‌های غربی ترویج می‌شود، رها کند».

(بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۶۹/۹/۱۴) نوع پوشش، تغذیه، دکوراسیون منزل و ... از جمله این مواردند. در این سبک زندگی خانواده‌ها در تأمین مایحتاج خود، به نیازهای واقعی که بر اساس ضرورت‌ها شکل می‌گیرد، توجه نمی‌کنند. این کار در بیان امام باقر علیه‌السلام به شدت مورد نکوهش واقع شده است: «خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی نمود که به قومت بگو لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای آنان را نخورند و به شکل آنان ظاهر نشوند که در این صورت به‌سان آنان دشمن من خواهند بود».[1] (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۱۰).

برای مقابله با این امر مشکل باید میانه‌رو بود. «میانه‌روی در خرج کردن. این را باید ما به صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم». (بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر،۱۳۸۶/۷/۲۱) با توجه به اینکه فرهنگ‌سازی در مصرف ابتدا از خانواده آغاز می‌شود، والدین وظیفه دارند نیازمندی‌های زندگی را تحت کنترل عقل و با توجه به ارزش‌های دینی و ملی خود تأمین نمایند؛ زیرا با «پیروی از هوی و هوس، خواهش‌های دل و آنچه نفس انسان از او مطالبه می‌کند، نمی‌شود مصرف را مدیریت کرد». (بیانات به مناسبت آغاز سال نو، ۱۳۸۸/۱/۱) عقل چون همیشه به اعتدال امر می‌کند، انسان را از گرفتار شدن در افراط و تفریط می‌رهاند.

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در ترویج مصرف‌گرایی و سوق دادن فرزندان به سمت این فرهنگ غیر اسلامی و مذموم، تبلیغات است. تبلیغات در بسیاری از موارد مصرف کالاهای غیر ضروری را برای یک خانواده ضروری جلوه می‌دهد؛ هر چند ممکن است مصرف همان کالا برای خانواده دیگری ضروری باشد. بنابراین پدر و مادر باید تصور واضحی از نیازهای فرزند به او نشان دهند و اطلاعاتی در مورد معیار مصرف درست در اختیار فرزند قرار دهند و خود را ملزم به رعایت آن کنند. در ضمن عدم دقت در مصرف اموال و کالاها به تدریج خانواده‌ها را به سمت مصرف‌گرایی سوق می‌دهد تا جایی که ممکن است بر اثر عادت برخی رفتارهای خود را مظهر اسراف و مصرف‌گرایی ندانند.

۱. «أَوْحَى اللهُ إِلَى نَبِيٍ مِنَ الأَنْبِيَاءِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ لا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَ لا يَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي وَ لا يُشَاكِلُوا بِمَشَاكِلِ أَعْدَائِي فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي».

۱.۴. تقبیح تجمل‌گرایی

تجمل‌گرایی به معنای روی آوری بیش از حد به مادیات و گردآوری اشیاء و لوازم غیر ضروری و دل بستن به آنهاست؛ به‌گونه‌ای که این عمل برای انسان‌ها به هدف تبدیل شود؛ زیرا انسان به هر نوع کمالی گرایش دارد و از نقص و کمبود گریزان است. بنابراین اگر استفاده از زینت و زیبایی در حد اعتدال باشد، هیچ اشکالی ندارد؛ ولی بسیاری از افراد در جریان زندگی راه افراط را در پیش می‌گیرند و به بهانه‌های گوناگون به تجمل‌گرایی رو می‌آورند. خداوند متعال در این باره فرموده است: «بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرامش و فخرفروشی شما به یکدیگر به فزون‌جویی در اموال و فرزندان است».[1] (حدید: ۲۰) هنگامی که سبک زندگی تغییر کند و اعضای خانواده به دنبال تجمل، مد و چشم و هم‌چشمی باشند، طبیعی است که با یک درآمد عادی نمی‌توان به خیلی از انتظارات پاسخ داد. این‌جاست که منبع درآمد تغییر می‌کند، از مشروعیت فاصله می‌گیرد و در نتیجه باعث ورود اموال شبهه‌ناک و حتی حرام به سفره خانواده می‌شود.

فرزندی که از ابتدای تولد خود را در خانواده تجملی دیده است، به طور حتم چنین رویه‌ای را در زندگی خود در پیش خواهد گرفت. برای پیشگیری از این امر اصلاح محیط زندگی او از این مظاهر تفاخر و تظاهر بسیار مهم است و در درجه بعد ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در خانواده مشخص باشد و اعضای خانواده آن را در عمل به خوبی درک کنند. به عبارت دیگر باورهایی باید در فرزندان درونی شود تا آنان را در مسیر مبارزه با نفس یاری دهد؛ از جمله باورمندی به هدف نهایی انسان که قرب خداوند است. طبق این باور اگر نعمت‌های الهی در جهت رسیدن به کمال و سعادت اخروی صرف شود، مطلوب است و چنانچه برای استفاده در تجمل‌گرایی و خوشگذرانی باشد، آثار نامطلوبی را به دنبال خواهد داشت. (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۲۰، ص ۳۵۴)

۱. ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَياةُ الدُّنْيا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكاثُرٌ فِي الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ﴾.

بنابراین «پایبندی به تجملات و تشریفات که از مصادیق اسراف است، دون شأن انسان والاست» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۸/۱۰/۴) و «از جمله جاهایی که تقوا باید خودش را نشان دهد، در میل به زندگی تجملی است». (بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۲/۲۴) بی‌تردید زمانی که اعضای خانواده روحیه کمال‌طلبی خود را جهت کسب رضای خداوند قرار دهند، این باور به رفتارهای اقتصادی آنان جهت خاصی می‌بخشد و آنان لذت معنوی و اخروی را بر می‌گزینند. در مقابل وقتی انگیزه مادی بر انسان غلبه کند، در راه می‌ماند. «وقتی هدف‌های کوچک و حقیر شخصی رسیدن به مال و منال و تجملات و قدرت برای انسان شد، هدف اصلی از یاد می‌رود». (بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی، ۱۳۸۹/۶/۳۱)

در این راستا والدین می‌توانند با رعایت زهد و قناعت، مصارف غیر لازم را در خوراک، پوشاک، مسکن و وسایل زندگی کاهش دهند و از خرید کالاهای لوکس و تجملی و تولید خارجی و هزینه برای ساختمان‌های مجلل خودداری کنند با این روش امکان صرف سرمایه‌های اضافی خانواده در امور تولیدی فراهم می‌شود. علاوه بر این با تشویق فرزندان به خرید کالای تولید داخل نه تنها سطح اشتغال را در جامعه افزایش می‌یابد و بیکاری و فقر و محرومیت عده زیادی از بین می‌رود؛ بلکه با جهت‌دهی درست به منابع مالی خانواده مجالی برای ارضای میل اشرافی‌گری باقی نخواهد ماند. (بیانات به مناسبت آغاز سال نو، ۱۳۹۴/۱/۱)

بنابراین برای درمان تجمل‌گرایی باید هنجارسازی شود. همان‌گونه که افزون‌طلبی در پی با ارزش شدن ثروت در جامعه به صورت هنجار در آمده، والدین باید این هنجار را شکسته و خانواده را به سمت ارزش‌های معنوی و قناعت‌پیشگی ببرد و به فرزندان آموزش دهد که نباید همواره در پی خواسته‌ها و شهوات خود و دل خود باشند؛ بلکه باید در خوردن و پوشیدن و لوازم زندگی و ... حدودی را رعایت کنند و از آنچه موجب جاه‌طلبی، اسراف و تجمل‌گرایی می‌شود، خودداری کنند.

۲. نقش مستقیم والدین در مدیریت مصرف فرزندان

۱. ۲. آموزش اولویت‌بندی نیازها

خداوند در ﴿وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُون﴾، (ذاریات: ۵۶) هدف از خلقت انسان را عبادت (تکامل و قرب به خداوند) عنوان می‌کند. از این رو هر چیزی که انسان را در رسیدن به این هدف یاری دهد، نیاز شمرده می‌شود. بدون تردید تأمین امکانات مادی و رفع احتیاجات انسان در زندگی دنیوی برای پیمودن این مسیر لازم به نظر می‌رسد (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۹۵) و جزء نیازهای واقعی انسان محسوب می‌شوند؛ زیرا از واقعیت عینی ناشی می‌شود. با توجه به دیدگاه اسلام رفع نیازهای واقعی و معیشتی انسان باید در اولویت قرار گیرد.

لذا یکی از راهکارهای مدیریت مصرف، آموزش اولویت‌بندی نیازها به فرزندان است. رهبر انقلاب با تأکید بر اولویت‌بندی نیازها می‌فرماید: «مسئولین باید در زمینه مصرف در جاهایی که اولویت ندارد و لو ممکن است مورد نیاز هم باشد اما نیاز درجه یک نیست خودداری کنند. آن جایی که نیاز نیست حتماً مصرف نشود آن جایی که حاجت هست اما حاجت بالاتری نیز هست آن جا هم مصرف نشود، این امکان مالی، در حاجت برتر و بالاتر مصرف گردد». (بیانات به مناسبت آغاز سال نو، ۱۳۷۴/۱/۱)

با توجه به این فرمایش ایشان، می‌توان والدین را یکی از مصادیق مسئولین به شمار آورد که اولویت‌بندی نیازها را در زمینه مصرف منابع خانواده مد نظر قرار داده و این را به فرزندان نیز آموزش دهند. بی‌توجهی به این مقوله، در واقع هدر دادن سرمایه و گونه‌ای اسراف‌کاری است و مشکلات گوناگونی را در آینده فرزندان در پی خواهد داشت. بدین منظور در خانواده تأمین نیازهای ضروری‌تر بر نیازهایی که تأمین آنها ضرورتی کمتر دارد، باید مقدم گردد. والدین باید به کودک بیاموزند در اقتصاد و خرج کردن اولویت اول نیاز به خرید وسیله ضروری است و اولویت دوم صرف خواستن و آرزوی چیزی داشتن است. از این رو باید درباره این موضوع با او صحبت کنند و تجربه‌هایشان را

به او منتقل نمایند. برای تسهیل در آموزش این امر والدین با اختصاص هزینه ماهانه به فرزندان می‌توانند مدیریت مالی و اولویت تأمین نیازها را به آنان آموزش دهند. کودکانی که مجبور به مبارزه و تلاش برای مسائل پولی می‌شوند، نه تنها مسئولیت مالی بیشتری پیدا می‌کنند؛ بلکه در تمامی زمینه‌های زندگی نیز مسئولانه‌تر رفتار می‌کنند. در حقیقت این مقوله بدان معناست که کودکان با آموزش مهارت‌های درست و به جای مدیریت داریی خود، برای مدیریت و پیشبرد وظایفشان در زندگی آینده نیز بهتر عمل خواهند کرد. (امینی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۳)

علاوه بر این والدین با فهرست کردن نیازهای فرزندان و اولویت‌بندی آنها با توجه به منابع مالی و ضرورت استفاده، تمایلات فرزندان و نیازهای آنها را طبقه‌بندی می‌کنند و با این کار تدبیر در امور اقتصادی و مدیریت نیازها را به آنان آموزش می‌دهند و از سوی دیگر به آنان می‌آموزند که برای رفع حوائج و خواسته‌های مهم‌تر باید از برخی دیگر چشم بپوشند.

۲.۲. آموزش پرهیزکارانه و معقولانه

۲.۲.۱. در زمینه خوراک

یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، نیاز به خوراک و پوشاک است؛ به‌طوری که انسان بدون آن نمی‌تواند بیش از چند روز زنده بماند. از این رو تأمین نیازهای انسان حائز اولویت هستند و در آیات (اعراف: ۲۶ و ۳۱؛ نحل: ۸۱) و روایات به ارضای معقول و منطقی این نیازها تأیید فراوان شده است. پیامبر اکرم ﷺ انسانی را که هر چه بخواهد، می‌خورد؛ مذمت کرده و فرموده است: «کسی که هر چه بخواهد، می‌خورد؛ خداوند به او نظر لطف نکند تا آن روش را ترک گوید». (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۹۷، ص ۳۸)

مقام معظم رهبری الگوی مصرفی رایج میان مردم جامعه را تأکید نمی‌کند و میفرماید: «باید خودمان را اصلاح کنیم، ما الگوی مصرف‌مان غلط است، چه جوری بخوریم؟ چه

بخوریم، چه بپوشیم، ما دچار هوس‌بازی شده‌ایم». (بیانات به مناسبت آغاز سال نو، ۱/۱/ ۱۳۸۸) ایشان در ادامه راهکار اصلاح آن را مصرف معقولانه و پرهیزکارانه می‌داند و می‌فرماید: «ما باید مصرف کردن را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کنیم. مصرف نه فقط از نظر اسلام، بلکه از نظر همه عقلا عامل چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد. با هوی و هوس، با خواهش دل و آنچه نفس انسان از او مطالبه می‌کند، نمی‌شود مصرف را مدیریت کرد». (بیانات به مناسبت آغاز سال نو، ۱۳۸۸/۱/۱)

ممکن است کسی بیش از اندازه لازم غذا نخورد، ولی در انتخاب نوع غذا اسراف کند؛ یعنی به جای انتخاب غذای مفیدتر، غذای لذیذتر را انتخاب می‌کند و آنچه را که برای سلامتی بدن ضروری است، نمی‌خورد. اسراف موجب می‌شود انسان از خدا دور شود. امروزه این‌گونه اسراف‌کاری و تغییر در سلیقه غذایی فرزندان بسیار مشاهده می‌شود که نتیجه آن تنوع‌طلبی‌های بیهوده در خوراک آنهاست که هزینه‌های سنگینی برای خانواده به دنبال دارد. انتخاب فست‌فودها به جای غذاهای سنتی و خانگی در عصر حاضر، همان غذای لذیذ و در عین حال غیر مفید برای بدن است که سبب امراض گوناگونی می‌شود و گرایش فرزندان به این سمت، سلامتی آنان و اقتصاد خانواده را به خطر می‌اندازد. در جهت آموزش مصرف مدبرانه فرزند، باید او را آگاه کرد که تغذیه بهتر لزوماً با مصرف غذای گران‌قیمت تأمین نمی‌شود. والدین باید اصول اصلی تغذیه سالم را به فرزند آموزش دهند. آنها می‌توانند با آشنایی با علم تغذیه و آگاهی از قیمت، مواد غذایی ارزان‌تر با خواص مشابه نیازهای تغذیه‌ای خانواده را تأمین کنند. (افشاری، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶)

والدین بدین‌سان می‌توانند یکی از راه‌های صرفه‌جویی را نیز به فرزندان آموزش دهند و از سوءتغذیه آنها که آثار جبران‌ناپذیر جسمی و روحی برایشان دارد، جلوگیری کرد.

۲.۲.۲. در زمینه پوشاک

امروزه لباس کارایی خود را که پوشش و حفظ بدن از سرما و گرماست، از دست را داده و به عاملی برای انواع تجمل‌پرستی‌ها، توسعه فساد، تحریک شهوت، خودنمایی و اسراف

و امثال آن تبدیل شده است. حتی گاهی افرادی که نمی‌توانند با فعالیت چشمگیری خود را به جامعه نشان دهند، تلاش می‌کنند با لباس‌های نامأنوس و غریب و عجیب وجود و حضور خود را به جامعه نشان دهند. ثروت‌های عظیمی که از طریق لباس‌های گوناگون و مدپرستی‌های مختلف و چشم و هم‌چشمی‌ها در مسئله لباس نابود می‌شود، رقم بسیار مهمی را تشکیل می‌دهد که اگر صرفه‌جویی می‌شد، بسیاری از مشکلات اجتماعی را حل کرد و مرهم‌های مؤثری بر زخم‌های جانکاه جمعی از محرومان جامعه بشری گذارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۶)

در آموزه‌های اسلام سه هدف برای پوشیدن لباس بیان شده است. پوشیدن زشتی‌های بدن[۱] (اعراف: ۲۶)، حفظ بدن از سرما و گرما و صدمات مختلف[۲] (نحل: ۸۱) و زیبایی و مجال انسان[۳] (اعراف: ۳۱) این سه هدف هستند. با توجه به اینکه شخصیت اجتماعی افراد معمولاً به نوع لباس آنان ارتباط دارد، اعضای خانواده باید به این نکته توجه داشته باشند لباسی را که مایه آبرو و حیثیت اجتماعی است، در هر جا نپوشند و آن را به خوبی نگهداری کنند تا دوام بیشتری داشته باشد و دوباره نیاز به خریدن چنین لباسی پیدا نشود. همچنین با پوشیدن لباس‌های گرانبها و فاخری که شأن انسان نیست، مرتکب عمل زشت اسراف و تبذیر نشوند. بی‌شک اگر فرزندان در خانواده فلسفه لباس و انگیزه‌هایی را که به خاطر آن لباس می‌پوشند و خود را می‌آرایند، خوب بدانند؛ هرگز از توازن و تعادل خارج نشده و دچار زیاده‌روی و تجمل‌گرایی و تفاخر و کبر نمی‌شوند و در حد ضرورت و نیاز طبیعی به لباس و زینت اکتفا می‌نمایند.

فرزندان در یک خانواده متعادل به پیروی از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که در زمینه پوشش از انگشت‌نما شدن در هر دو سو افراط و تفریط نهی فرموده است، می‌آموزند در مسئله

۱. ﴿لِباساً یُواری سَوْآتِکُمْ وَ ریشاً﴾.
۲. ﴿وَ جَعَلَ لَکُمْ سَرابیلَ تَقیکُمُ الْحَرَّ وَ سَرابیلَ تَقیکُمْ بَأْسَکُم﴾.
۳. ﴿یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ﴾.

پوشیدن لباس، اصل میانه‌روی و اعتدال را جاری سازند؛ به این شکل که از تبدیل لباس به تفاخر و تجمل و ارزش را در کیفیت جامه دانستن پرهیز کنند؛ چرا که تجمل‌گرایی در لباس، روی آوردن به لباس‌های گرانقیمت و عدم انتخاب جنس خوب در پوشاک می‌انجامد و منجر به افراط در صرف مال و در آمد خانواده می‌گردد. از این رو فرزندان در چنین خانواده‌ای با رعایت آداب و انتخاب پوشش مناسب و پسندیده، ساده‌پوشی را که رهاورد اعتدال در پوشش است، بر می‌گزینند.

۳. ۲. ۲. پرورش روحیه قناعت

قناعت در اصطلاح، حالتی است برای نفس که باعث اکتفا کردن آدمی به قدر حاجت و ضرورت است. (نراقی، ۱۳۷۱، ص ۳۹۷) امام صادق علیه‌السلام در روایتی معیار قناعت را این‌گونه تبیین کرده است: «به ناتوان‌تر از خودت بنگر و به توانگر از خویش منگر؛ زیرا این کار تو را به آنچه قسمت تو شده است، قانع‌تر سازد». (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۲۴۴) بنا به این روایت نقطه مقابل قناعت، حرص و طمع است که خانواده را به کار کردن فراوان برای کسب درآمد و عدم تعادل در شغل و معاش حقیقی می‌کشاند و یا مبتلا به تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی می‌کند. بنابراین یکی از رهاوردهای قناعت در زندگی نگاه نداشتن به مال و دارایی دیگران است که باعث آرامش و آسایش جسم و جان می‌شود. (لقمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰) مقام معظم رهبری در این رابطه فرموده است: «اسیر تجملات و تشریفات و چشم و هم‌چشمی نشوید، خودتان را در دام مسابقه مادی در امر زندگی نیندازید. هیچ کس در این مسابقه، خوشبخت و کامیاب نمی‌شود». (بیانات در خطبه عقد، ۱۳۷۷/۰۷/۲۰)

به اعتقاد مقام معظم رهبری کسی که قناعت را در زندگی کنار بگذارد، علی‌رغم تلاش فراوانی که برای رسیدن به کامیابی و رفاه انجام می‌دهد، نمی‌تواند حس رضایت از زندگی را در خود و فرزندان ایجاد کند؛ زیرا این ماهیت انسان است که هر چه به دست می‌آورد، باز در حسرت یک چیز بهتری است. (همان)

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در سفارش خود به محمد بن حنفیه چنین فرمود: «هیچ ثروتی،

فقرزداتر از خشنودی به قوت نیست و هر که به کفاف زندگی بسنده کند، به آسایش دست می‌یابد و زندگی آسوده و مرفهی به دست می‌آورد».[1] (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۸۵) کفاف در کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام یعنی «محتاج کسی نباشد و بتواند زندگی‌اش را اداره کند، بدون احتیاج به هیچ کس، دلخوشی هم باید داشته باشد و الا زندگی با درآمد زیاد و مخارج زیاد و تشریفات که خوب نیست. این‌ها راحتی و دلخوش نمی‌آورد». (بیانات در خطبه عقد، ۱۳۷۸/۰۱/۰۲)

والدین با بسنده کردن به کفاف زندگی و به عبارت دیگر با قناعت کردن آثار و فواید آن از جمله عزت و سربلندی احساس آرامش، آسایش، بی‌نیازی و نجات از اسارت‌ها را برای فرزند برجسته می‌سازند و از آنجا که این آثار مطلوب هر فردی است و به وسیله قناعت به دست می‌آید، فرزند را به کسب قناعت ترغیب می‌کند. از جمله عوامل دیگری که موجب پرورش روحیه قناعت و ساده‌زیستی می‌شود، اعطای بینش به فرزندان است به اینکه «توقعات مادی زیاد و بالا، موجب تنگی معیشت و موجب ناراحتی خود انسان می‌شود. اگر انسان توقع خودش را از زندگی توقع کمی قرار دهد، این مایه سعادت خواهد بود، نه فقط برای آخرت انسان خوب است که برای دنیای انسان هم خوب است». (همان)

بدین منظور والدین توقعات فرزندان را در جهت ساده‌زیستی مدیریت کنند و معیارهایی را برای ارضای خواسته‌های آنان تعریف نمایند. با توجه به اینکه فرزندان از بدو تولد پر توقع به دنیا نمی‌آیند؛ بلکه پر توقعی را از والدین می‌آموزند، برای پیشگیری از این امر پدر و مادر باید در زندگی نسبت به نعمت‌های خداوند و نیز محبت‌های دیگران هر چند ناچیز شاکر و قدرشناس باشند تا روحیه شکرگزاری و قدردانی به جای عیب‌جویی و زیاده‌خواهی در فرزندان پرورش یابد. همچنین باید به نیازهای آنان در حد تعادل و معقول توجه شود تا نسبت به امکانات مادی و دنیوی عقده و حسرتی در

۱. ﴿یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ﴾.

آنان به وجود نیاید. والدین می‌توانند سیره اولیای دین را به عنوان الگوی ساده‌زیستی و قناعت به فرزندان معرفی کنند. مقام معظم رهبری، امام علی علیه‌السلام را الگو قرار داده و فرموده است: «امیرالمؤمنین علیه‌السلام شخصاً زاهدانه‌ترین زندگی‌ها را داشتند، اما در عین حال مرتب هم کار می‌کرد، مزرعه را آباد و چاه آب جاری می‌کرد، جهاد می‌کرد و کشور را اداره می‌کرد...».

(بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵)

سفارش ایشان به همه این است که «المال و البنون زینه الحیوه الدنیا هیچ ایرادی ندارد، نه مال ایراد دارد، نه فرزندان ایراد دارد، نه مقام و این‌ها، لیکن غرق شدن در این‌ها، عمده کردن و هدف قرار دادن این‌ها و خود را در تکیفات و تعینات زندگی منحصر کردن است که آسیب می‌زند». (همان) این فرمایش مقام معظم رهبری مصداقی از آیه ۳۱ سوره اعراف ﴿کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا﴾ است. در این آیه دستور به استفاده از نعمت‌های الهی شده است، اما به دلیل اینکه طبع زیاده‌طلب انسان ممکن است از این دو دستور سوءاستفاده کند و به جای استفاده عاقلانه و اعتدال‌آمیز، راه تجمل‌پرستی و اسراف و تبذیر را پیش گیرد، بلافاصله اضافه می‌کند: «ولی اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد». این روش تربیتی قرآن به هنگام تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش است که فوراً جلوی سوءاستفاده را می‌گیرد و به اعتدال توصیه می‌کند.

نتیجه‌گیری

از منظر قرآن و روایات، مصرف زمانی می‌تواند انسان را به تعالی برساند که با تعادل همراه باشد و به عبارت دیگر مدیریت مصرف وجود داشته باشد. با توجه به اینکه مقام معظم رهبری بر آموزش مدیریت مصرف از کودکی تأکید دارند، لذا نقش تربیتی والدین در این مورد پر رنگ‌تر جلوه خواهد کرد که به دو صورت نقش غیر مستقیم شامل هدایتگری فرزندان در کنترل تمایلات و نیز الگو بودن والدین در زمینه مصرف به صورت تقبیح مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی است و در نقش مستقیم به آموزش اولویت‌بندی نیازها و آموزش

پرهیزگارانه و معقولانه و قناعت توجه دارد. «پروردگارا! به محمد و آل محمد ضررهای اسراف و مصرف‌گرایی و منافع مواسات و رسیدگی به محرومان و مستمندان را برای یکایک افراد جامعه روشن کن و آنها را به این کار موفق فرما. پروردگارا! ما را در انجام دادن این وظایف بزرگ و انسانی یاری کن». (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵)

فهرست منابع

فارسی

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۹۷ش، *تحف العقول*، ترجمه محمدصادق حسن‌زاده، تهران: انتشارات مؤسسه نشر اسلامی.
۲. افشاری، زهرا، ۱۳۸۰ش، *اقتصاد خانواده*، تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء علیها السلام.
۳. امینی، ابراهیم، ۱۳۸۸ش، *تربیت*، قم: بوستان کتاب.
۴. شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۸ش، *درآمدی بر روانشناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی*، قم: دارالحدیث.
۵. کلانتری، علی اکبر، ۱۳۸۴ش، *اسلام و الگوی مصرف*، تهران: نشر نوید.
۶. لقمانی، احمد، ۱۳۸۶ ش، *بهترین آرزوهای زندگی*، قم: بهشت بینش.
۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. میرمعزی، حسین، ۱۳۷۸ش، *نظام اقتصادی اسلام*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۹. نراقی، احمد، ۱۳۷۱ش، *معراج السعاده*، قم: مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۰. نیلی‌پور، مهدی، ۱۳۸۸ ش، *بهشت اخلاق*، چاپ پنجم، قم: مؤسسه تحقیقاتی ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

عربی

۱. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۳ش، *کتابٌ من لایحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۸ش، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵ش، *تهذیب الاحکام*، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ ش، *فروع کافی*، قم: دارالحدیث.
۵. ــــــــــــــــ، ۱۳۸۷ ش، *اصول کافی*، قم: دارالحدیث.
۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۱ق، *بحارالانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۷. نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسایل*، بیروت: نشر آل‌البیت علیهم السلام.

مجلات

۱. اصغری، صدیقه، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸، «آموزش رفتارهای مطلوب اقتصادی به فرزندان»، مجله پیوند، ش ۳۵۴ و ۳۵۵، ص ۵۵-۵۲.
۲. قدیری، محمدحسین، تابستان ۱۳۸۹، «خودکنترلی کودک، خمیرمایه خویشتنداری اخلاقی»، علوم تربیتی، شماره ۱۱، ص ۱۱۶ - ۸۷.

سایت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای دام‌ظله.